



تشریح کلیات عملیات فتح‌المبین

سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفاری

تنظیم: اکبر رستمی*

سردار مرتضی صفار فرمانده دانشگاه تربیت پاسداری امام حسین ^(ع) که در زمان عملیات فتح‌المبین فرمانده جبهه شوش و تیپ ۱۷ قم بود، طی دو مرحله اردوی انتقال تجارب در مناطق خوزستان، در دی ماه ۱۳۹۴ و اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ سخنرانی کرد و ضمن تشریح فعالیت‌های خود قبل از عملیات فتح‌المبین در منطقه عمومی غرب کرخه، به سیر شکل‌گیری تیپ‌های سپاه و در ادامه به‌صورت مبسوط به تشریح کلیات عملیات فتح‌المبین پرداخت. نوشتار ذیل گزارشی تجمیعی از این دو سخنرانی است.	چکیده		
		واژگان کلیدی: مرتضی صفار، انتقال تجارب، تجارب فرماندهان، دفاع مقدس، دانشگاه امام حسین ^(ع) .	

تشکیل تیپ ۱۷ قم در آستانه عملیات فتح‌المبین

سردار صفار در ابتدای سخنان خود با تشریح مراحل تشکیل تیپ ۱۷ قم، و نقش سردار باقری در شکل‌گیری تیپ، گریزی هم به روند عملیات فتح‌المبین زد و در این باره گفت:

«من توفیق داشتم و قبل از عملیات فتح‌المبین یک سال یا اندکی بیشتر، مسئولیت خط جبهه شوش را بر عهده داشتم. خوب شناسایی‌های زیادی رفته بودیم و دشمن را به‌خوبی می‌شناختیم. خط

پدافندی ما در غرب کرخه بود که در آنجا ارتشی‌ها نبودند؛ خط آنها در شرق کرخه بود. در خط ما تعداد نیروهایمان که عمدتاً هم پاسدار بودند، کمتر از ۱۵۰ نفر بود. به‌تناوب نیروهای مردمی هم به ما اضافه شدند و ما هر ۲۰ روز یک بار نیروها را تعویض می‌کردیم. یک روز برادر بقایی به من گفت که برگردم شوش، چراکه برادر حسن باقری دارد می‌آید و گفته‌اند که من هم در جلسه باشم. من هم با قایق از رودخانه حرکت کردم و به شوش رفتم. بعد از لحظاتی آقای

* کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال پانزدهم □ شماره پنجاه و هفتم □ تابستان و پاییز ۱۳۹۵



سردار سرتیپ پاسدار مرتضی صفار فرمانده دانشگاه امام حسین^(ع)، یادگان لشکر ۱۰ سیدالشهدا در اندیشک، اردیبهشت ۱۳۹۵.

داشتیم. در ادامه هم ۲ گردان نیرو از مشهد به ما اضافه شد. با این حجم نیرو دیگر کار آموزش مشکل شده بود، لذا بررسی کردیم و در اطراف هفت تپه و نزدیک قرارگاه کربلا منطقه‌ای را برای آموزش نیروها اختصاص دادیم.»

هوشیاری دشمن و اقدامات پیش‌دستانه عراق

سردار صفار در این بخش از سخنان خود نکاتی را یادآور شد که نشان می‌داد دشمن از تحرکات نیروهای ایرانی باخبر شده و اقداماتی را انجام داده بود. وی کار رزمندگان و فرماندهان ما را بسیار ارزشمند خواند که توانستند با وجود هوشیاری دشمن، عملیات را به خوبی جلو ببرند و پیروز شوند. ایشان در این باره اظهار کرد:

«دشمن هم کم‌کم به واسطه تسلطی که بر منطقه داشت و در ضمن حجم تردد نیروهای ما را می‌دید و

داد که در آن ۲۷ نیرو را در قالب یک دسته قرار داده بود که شامل ۲ نفر آر.پی.جی.زن با کمکشان، ۲۰ نفر رزمنده تیرانداز و ۲ نفر هم نیروی امدادی بود و به ما گفت که تمام نیروهایی که پیش شما می‌آیند با چنین ساختاری می‌آیند؛ حالا شما خواستید خودتان اضافه و کم کنید. نیروهای باتجربه خود را فرمانده گروهان و گردان قرار بدهید و افرادی که سرپرست هستند را به‌عنوان جانشین قرار بدهید.

هفته بعد اولین گردان نیرو از قم به ما اضافه شد و قرار شد که ما اسم تیپ را به‌خاطر اینکه اکثر نیروها از قم می‌آمدند تیپ قم بگذاریم. عدد آن هم قرار شد یک عدد دورقمی بگذاریم تا دشمن در تعداد و شماره تیپ‌های ایران گیج بشود، لذا ما عدد ۱۷ را انتخاب کردیم و اسم تیپ ما شد ۱۷ قم.

در ادامه نیروهایی از تهران، اصفهان و مرکزی هم به ما افزوده شد و تا آستانه عملیات، ما ۶ گردان نیرو

فرمانده کل سپاه نقطه عطفی در جنگ پیش آمد و این دو نفر قرارگاه کربلا را در اهواز تشکیل دادند و فضای جدیدی شکل گرفت که در آن نقش نیروهای مردمی در عملیات‌ها مورد توجه قرار گرفت. در چنین فضایی یکسری عملیات‌های زنجیره‌وار کربلای ۱ تا ۱۰ برای بیرون‌راندن دشمن طراحی شد. عملیات طریق‌القدس معادل کربلای ۱ بود که در بستان انجام گرفت و با انجام این عملیات، دشمن به دو قسمت بالا

و پایین تقسیم شد. برادران ارتش اعتقاد داشتند که بهتر است اول به جنوب و خرمشهر برویم؛ درحالی‌که سپاه معتقد بود چون ما نیروهای پیاده زیادی داریم، بهتر است اول در شمال خوزستان عمل کنیم، چون هم وسعت منطقه شمال کمتر است و هم با توان ما تناسب دارد.»

بعد از فرار بنی‌صدر و پس از انتصاب صیاد شیرازی به‌عنوان فرمانده نذاجا و محسن رضایی به‌عنوان فرمانده کل سپاه نقطه عطفی در جنگ پیش آمد و این دو نفر قرارگاه کربلا را در اهواز تشکیل دادند. در چنین فضایی یکسری عملیات‌های زنجیره‌وار کربلای ۱ تا ۱۰ برای بیرون‌راندن دشمن طراحی شد.

طرح‌ریزی عملیات

سردار صفاری در ادامه مباحث خود در زمینه طرح‌ریزی عملیات فتح‌المبین، به موضوعات عمده‌ای چون اهداف عملیاتی، شناسایی، خطوط حد و معرفی زمین منطقه پرداخت و در این باره گفت:

«از اواسط آبان ۱۳۶۰ طرح‌ریزی عملیات آغاز شد. قرارگاه مرکزی از اهواز به نزدیکی‌های هفت‌تپه منتقل شد و طرح عملیاتی کربلای ۲ (فتح‌المبین) در دی‌ماه ۱۳۶۰ صادر شد و تکمیلی آن در ۱۳ اسفند انتشار یافت.

جاده از سمت دهلران و روی جاده عین‌خوش حرکت کند و تا پل نادری در کنار کرخه پیشروی کند و برود به سمت اندیمشک و جاده را ببندد. برای کمک به لشکر ۹ زرهی، لشکر ۱ مکانیزه هم در جناح سمت راست لشکر ۱۰ و از سمت چپانه و سواره قهوه‌خانه برود به سمت شوش و باهم الحاق کنند و با عبور از کرخه، جاده را تصرف و سه شهر دزفول و شوش و اندیمشک را تأمین کنند. بدین منظور به لشکر ۱ مکانیزه ۸ تیپ دادند.

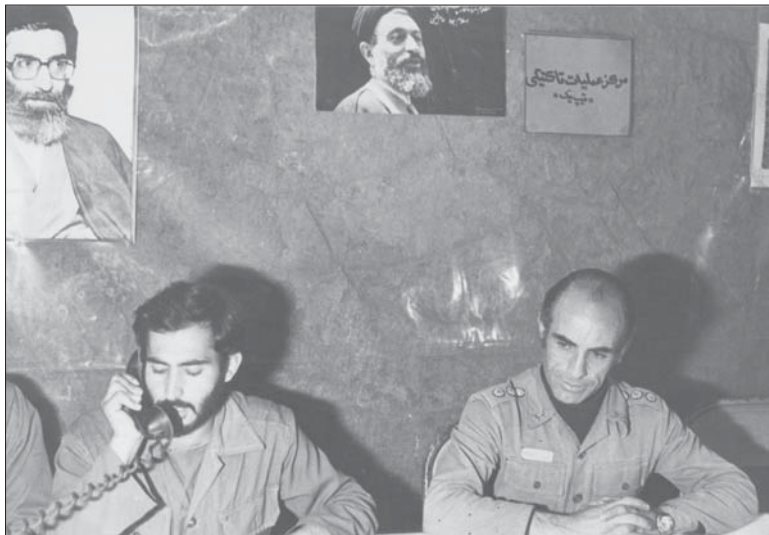
براین اساس، لشکر ۱۰، ۴ روزه خود را به پل نادری رساند. در محور فکه پاسگاه‌ها و بخشی از تیپ ۳۷ ارتش در مقابل عراق مقاومت جزئی کردند که این باعث شد لشکر ۱ مکانیزه عراق ۷ روزه به پل نادری برسد. بعد از رسیدن عراق به اهداف خود در محور شمالی، در محورهای میانی و جنوبی خوزستان مشکلاتی برای عراق پیش آمد و این سبب شد دشمن موقتاً متوقف شود.

سپاه‌های مناطق هم‌نفراتی را جمع کردند و یکسری خطوط دفاعی را مقابل دشمن در روبه‌روی شوش و پل نادری تشکیل دادند و حتی ۳ تا نفربری را که عراقی‌ها از کرخه عبور داده بودند، زدند. در این مرحله عراقی‌ها متوقف شدند و شروع به زدن خاکریز کردند.»

دلایل انتخاب منطقه عملیاتی

سردار صفار درباره دلایل انتخاب منطقه عملیاتی غرب کرخه اظهار کرد:

«بعد از فرار بنی‌صدر و پس از انتصاب صیاد شیرازی به‌عنوان فرمانده نذاجا و محسن رضایی به‌عنوان



از چپ برادر مرتضی صفار فرمانده جبهه شوش در عملیات فتح‌المبین، فروردین ۱۳۶۰.

سازمان رزم قرارگاه‌های فرعی

سردار صفار مأموریت‌ها و یگان‌های تحت امر هر قرارگاه را به قرار زیر معرفی کرد:

«قرارگاه قدس: برای فرماندهی سپاه آقای محمدعلی جعفری و برای فرماندهی ارتش سرهنگ شهبازی فرمانده تیپ ۸۴ خرم‌آباد را انتخاب کردند که سازمان رزم آن شامل تیپ ۲ لشکر ۸۴ خرم‌آباد و تیپ ۲ از لشکر ۹۲ زرهی ارتش و تیپ ۴۱ ثارالله^(ع) و ۱۴ امام حسین^(ع) از سپاه بودند. تیپ ۱۴ امام حسین^(ع) با ۹ گردان به فرماندهی حسین خرازی و تیپ ۴۱ ثارالله^(ع) با ۶ گردان به فرماندهی قاسم سلیمانی و عناصری از سپاه ایلام در این قرارگاه از سپاه مشارکت داشتند.

قرارگاه نصر: فرماندهی این قرارگاه برعهده حسن باقری از سپاه و آقای حسنی سعدی از ارتش بود و در سازمان رزم آن تیپ ۲۷ با ۹ گردان به فرماندهی

با ارتش به صورت ادغامی عمل کنیم، نیاز بود که سپاه هم تیپ داشته باشد. ایشان دوباره به اقدامات شهید باقری در شکل‌گیری تیپ‌های سپاه و چگونگی شکل‌گیری سریع آنها اشاره و خاطرنشان کرد که با این روال، مقدمات تشکیل تیپ‌های ۱۷ اقم، ۷ ولی عصر^(عج) و ۲۷ را نیز فراهم کرد. در کل، در این عملیات ۱۱ تیپ تشکیل شد و ۴ تا تیپ هم از قبل داشتیم. وی گفت:

«چون وسعت منطقه زیاد بود قرارگاه مرکزی به این نتیجه رسید که نمی‌توان تنها با یک قرارگاه مرکزی کربلا کل منطقه را هدایت کرد، لذا قرار شد ۴ قرارگاه فرعی داشته باشیم که به هر کدام چند تیپ تخصیص یافت و بعد قرار شد فرماندهان آن مشخص شوند که مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین افرادمان را انتخاب کردیم که کنار برادران ارتشی باشند.»

چزابه و شوش به وقوع پیوست و طی جلسه‌ای که در قرارگاه کربلا تشکیل شد، هر کسی نظری می‌داد؛ چون عراق خط‌ها را به هم ریخته و شناسایی‌ها به هم خورده بود. بعد در قرارگاه دیگر خبری نبود و دشمن هیچ تحرکی نداشت.

همچنین ارتش عراق پل نادری را خراب کرده بود و نمی‌شد ادوات سنگین را عبور داد. برای همین ما در ارتفاعات بالای جاده تصمیم گرفتیم پل بز نیم

و ادوات را عبور بدهیم که دشمن هیچ پیش‌بینی حمله نمی‌کرد. بچه‌های قرارگاه فتح و فجر بودند عملیات لو رفته است و باید آن را به تعویق بیندازیم؛ درحالی‌که بقیه مخالف بودند. در این اوضاع قرار شد آقا محسن با اف ۵ برود تهران و با امام مشورت کند و برگردد. امام درکل گفته بودند بروید کارتان را انجام بدهید و نگران نباشید.

بچه‌های قرارگاه فتح و فجر معتقد بودند عملیات لو رفته است و باید آن را به تعویق بیندازیم؛ درحالی‌که بقیه مخالف بودند. در این اوضاع قرار شد آقا محسن با اف ۵ برود تهران و با امام مشورت کند و برگردد. امام درکل گفته بودند بروید کارتان را انجام بدهید و نگران نباشید.

آقا محسن با [هوایم] اف ۵ برود تهران و با امام مشورت کند و برگردد. وقتی برگشت گفت که پیش امام وقایع را شرح دادم و گفتم که عراق تحرکاتی انجام می‌دهد و عده‌ای می‌گویند اگر عملیات کنیم شهید زیادی می‌دهیم. امام سؤالاتی پرسید و گفت پیشنهاد شما چیست؟ گفتم یکی اینکه عملیات عقب بیفتد. امام گفت در این صورت چه رخ می‌دهد؟ که آقا محسن مشکلات آن را که ممکن بود دشمن هوشیارتر بشود یا نیروهای ما بروند و برنگردند را توضیح داده بودند.

را می‌گرفتیم. که قرار شد قرارگاه قدس از بالا حرکت کند و بعد از تصرف عین‌خوش به تینه برسد و مقرر فرماندهی لشکر ۱۰ زرهی را تصرف نماید. از آن طرف هم مقرر شد که قرارگاه فتح از جنوب در ذلیجان و میشداغ وارد شود و با یک تک احاطه‌ای تنگه رقابیه را تصرف کند و به طرف تپه برغازه و دوسلک که مقرر فرمانده لشکر ۱ مکانیزه عراق بود، برود و سرانجام این دو قرارگاه با هم الحاق کنند و دشمن را محاصره کنند.

در مورد مانور نصر و فجر، قرار شد تک قرارگاه نصر و فجر جبهه‌ای باشد و طی آن آقای احمد متوسلیان (تیپ ۲۷ حضرت رسول^(ص)) با ۲ گردان به عمق بزند و با گذشت از ارتفاعات شاوریه و بلتا برود و توپخانه دشمن را خاموش کند و ارتفاعات علی‌گره‌زرد را هم تصرف نماید. آقای رئوفی (تیپ ۷ ولی‌عصر^(ع)) هم قرار شد سه‌راهی قهوه‌خانه و کوت کاپون را بگیرد. قرارگاه فجر هم قرار شد ارتفاعات ابوصلیبی‌خات و سایت رادار را بگیرد و منطقه را پاک‌سازی کند و خط پدافندی را در دو گام تشکیل بدهد. تصرف سایت رادار به قدری مهم و حائز اهمیت بود که صدام گفته بود اگر ایرانی‌ها آن را بگیرند، من کلید بصره را به آنها می‌دهم.»

حوادث قبل از عملیات

سردار صفار در توضیح وقایع قبل از عملیات اظهار کرد:

«قرار بود هر ۴ قرارگاه هم‌زمان شروع کنند و پیش‌بینی می‌شد ۳ مرحله باید انجام شود تا الحاق صورت بگیرد. که آن دو اقدام پیش‌دستانه عراق در

امام در کل گفته بودند بروید کارتان را انجام بدهید و نگران نباشید. آقا محسن به حضرت امام می‌گویند استخاره‌ای هم بکنند. امام ناراحت می‌شوند و می‌گویند شرایط استخاره فراهم نیست؛ بروید کارتان را بکنید. در آخر هم امام گفته بودند حالا اگر هم خواستید دلتان قرص شود، در قرارگاه کربلا یک استخاره‌ای هم بکنید. آقا محسن برگشتند و وقایع را گزارش دادند (بماند که به دلیل فشار وارد شده در سوار شدن به جنگنده حالشان اصلاً خوب نبود و زیر سرم رفتند). بعدش هم آیت‌الله مشکینی در قرارگاه استخاره‌ای کردند و اول سوره فتح را خواندند و نوید فتح بزرگی را به ما دادند و ما بعد از این استخاره اسم عملیات کربلای ۲ را به فتح‌المبین تغییر دادیم.

تدبیر فرمانده خیلی مهم و در پیروزی گره‌گشا است. در اینجا هم قرارگاه فجر و فتح قرار شد شب اول، عملیات نکنند و فقط تظاهر کنند و کار ایدایی انجام بدهند و قرارگاه نصر و قدس در مرحله اول، عملیات کنند. قرار هم شد لشکرهایی که راهشان مشکل و دورتر بود، با یک روز تأخیر عملیات کنند.»

شرح عملیات

سردار صفار عملیات قرارگاه‌ها و مراحل مختلف نبرد را به قرار زیر تشریح کرد و گفت:

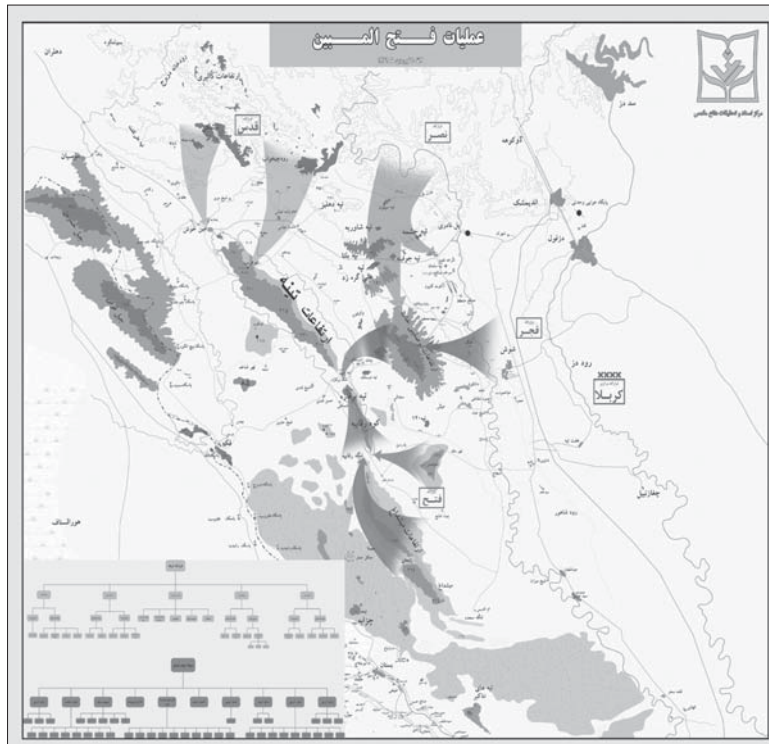
«مرحله اول در ۲ فروردین سال ۶۱، ۳۰ دقیقه بامداد با دو قرارگاه قدس و نصر که دو قرارگاه آماده ما بودند، با رمز "یا زهرا(س)" آغاز شد. قرار شد در مرحله اول، قرارگاه قدس جاده عین‌خوش را

تصرف کند و خاکریز بزند تا بتوانیم جاده را کامل در اختیار داشته باشیم. قرارگاه نصر هم باید اول جاده را آزاد می‌کرد و سپس می‌رفت در عمق برای تصرف توپخانه دشمن؛ چراکه اگر آنها آتش می‌ریختند تلفات ما زیاد می‌شد.

بعد از نیم ساعت از آغاز عملیات، تیپ ۱۴ اولین یگانی بود که درگیر شد و قبل از روشن شدن هوا خاکریز زد و آماده پدافند شد. سپس قاسم سلیمانی درگیر شد و بچه‌های آقای متوسلیان و شهید وزوایی ساعت ۳/۵ بامداد به مقر تجمع توپخانه‌ای دشمن زدند. در مرحله اول ۲۰۰۰ اسیر عراقی هم تخلیه شد.

بعد از روشن شدن هوا پاتک دشمن شروع شد و به همه لشکرها و قرارگاه‌ها فشار آمد. محور ۲۷ حضرت رسول(ص) آقای متوسلیان هم خیلی روی جاده مقاومت کرد و آن را حفظ کرد. تنها جایی از جاده که از دست رفت، محور ۴۱ ثارالله^(ع) بود در روی دشت عباس که شب شد و دیگر متوقف شدند. در قرارگاه کربلا جلسه گرفتند و گفتند اگر لشکر زرهی که محور ۴۱ ثارالله^(ع) را عقب زد، فردا بیشتر پیشروی کند، بچه‌های ۱۴ امام حسین^(ع) را هم دور می‌زند و به خطر می‌اندازد، لذا به خرازی گفتند شما هم عقب بیایید تا اسیر نشوید.

آقای محسن رضایی زیر سرم بود و آقای صیاد جلسه را اداره می‌کرد. آقای خرازی مخالف بود و می‌گفت من امروز فقط ۲ گردان وارد عمل کردم و ۷ گردان دیگر دارم؛ می‌توانم جواب عراق را بدهم. صیاد گفت من دستور می‌دهم که حسین خرازی عقب بیاید. بعد محسن رضایی هم که در جریان قرار گرفت گفت من تعجب می‌کنم که چرا شما حرف



نقشه عملیات فتح المبین در غرب شوش، ۱۳۶۱/۱۲.

امام و آیه قرآن مبنی بر پیروزی را یادتان رفته است؟
 سرانجام آقا محسن گفت برای نجات خرازی
 باید قرارگاه فتح (احمد کاظمی و مرتضی قربانی)
 وارد بشود و به عمق بیاید و لشکر ۱۰ زرهی
 دشمن را متزلزل کند و احتیاط آنها را هم به
 خطر بیندازد. که این کار با پیشروی سردار
 قربانی به سمت ارتفاعات دوسلک انجام شد و
 سردار کاظمی هم با همکاری سردار باکری
 که جانشینش بود به اهداف مورد نظر رسیدند و
 دشمن دچار تزلزل شد.
 قرار شد در مرحله دوم، قرارگاه نصر و قدس
 فقط پاتک جواب بدهند و قرارگاه فتح و فجر
 عمل کنند. [مرحله دوم] در ۴ فروردین ساعت ۱
 بامداد شروع شد و باید قبل از روشن شدن هوا
 قرارگاه فتح به رقابیه می‌رسید و قرارگاه فجر هم
 به ارتفاعات ابوصلیبی خات.
 قرار شد بچه‌های جهاد (سمنان) هم یک معبر را
 که در اطراف ذلیجان به صورت مال رو بود، باز کنند تا
 بچه‌ها بتوانند عبور کنند. و بچه‌ها رفتند و فشار را از
 روی خرازی برداشتند.
 فرمانده لشکرهای ۱۰ و ۱ دشمن به این نتیجه
 رسیدند که باید قرارگاه خود را به پشت مرز برسانند.
 در این اوضاع فضا عوض شد و یگان‌های عراقی
 متزلزل و آماده فرار شدند.

